

ایران

- **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- **مدیر مسئول:** محمدحسن روزی طلب
- **سردبیر:** حسام‌الدین برومند
- **معاون فنی:** محمدملاعلی اکبری
- **دبیران:** مصطفی عیوضی (سیاسی)
مهدی مهرپور (اقتصادی)
زرین رستمی (اجتماعی)

- **بنفشه غلامی (جهان)**
- **لیدا فخری (اندیشه)** • محمدرضا عزیزز (گزارش)
- **زهرا کشوری (زیست‌بوم)** • فرزاد قلعه‌دار (حوادث)
- **مهدی کلهرزاد (اجرائی)**
- **حجت حکیمی (صفحه‌آرایی)**
- **محسن جانی پور (ویراستاری)**
- **ابوالفضل نسایی (عکس)**

- **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۳۳ روابط عمومی: **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- **صندوق پستی:** ۵۳۳۸۸۰۵۳۳۸۸ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰
- **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
- **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارندة گواهینامه اینزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۸۸۷۷۲۰ (۰۲۱)
- **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲



امروز که دستگاه داری و توان
ببخنی که بر سعادت آرد بنشان
پیش از تو از آن دگری بود جهان
بعد از تو از آن دگری باشی هاد

سعدی



امام جعفر صادق (ع):

همراه خود توشه و ساز و برگ را زیاد بردار که سفر، طولانی و دور و دراز است!

(بخار، ج ۱۳، ص ۴۳۲)

سخن‌روز

نقل قول

بعثی‌ها، پیکر شهید تندگویان را مومیایی کرده بودند

بعد از آزادی اسرا و بازگشت آنها به کشور وقتی متوجه شدیم پدرم در بین آنها نیست هیأتی متشکل از پدربزرگ، دایی و دندانپزشک پدرم به عراق اعزام شدند، بعثی‌ها بار اول عمداً یک پیکر دیگر را به آنها نشان دادند در حالی که قد، مشخصات ظاهری و ساینز پدرم با آن پیکر متفاوت بود. بعد از چند روز آنها را بر سر قبر فردی که تازه به خاک سپرده شده بود، بردند و گفتند او اینجا دفن شده اما وقتی فهمیدند خانواده حرف آنها را باور نمی‌کنند بعد از چند روز جنازه اصلی را به آنها تحویل دادند. پیکر پدرم را به گونه خاصی مومیایی کرده بودند تا شکنجه‌ها و زمان شهادت را پنهان کنند، دکتر پزشکی قانونی عراق در گزارشی اعلام کرده بود که تندگویان چند ماه بعد از اسارت به شهادت رسیده و تاریخ اوراق هم سال همان موقع بود ولی به گفته دکتر توفیقی این نحوه عمل که روی این جسد شده، نشان می‌دهد که آنها می‌خواستند زمان فوت را مخدوش کنند. در سالن تشریح او با چند برش به ران شهید متوجه شدند که عضله زیر پوست تازه است درحالی که روی پوست مانند چرم شده بود؛ از تازگی زیر پوست متوجه شدند او بعد از آزادی اسرا به شهادت رسیده است.

بخشی از گفت‌وگوی ایرنا با مریم تندگویان، فرزند شهید



مریم تندگویان فرزند شهید

یادداشت

جنگی بر لبه دیوار ساختار مدرن!

یکی از جریان‌ها غالب در حوزه فلسفی دربارۀ فلسطین و غزه این است که از زاویه مباحثی همچون مسأله شر و غیاب خدا به این مسأله بپردازند. اینکه خدا کجاست و چرا بلا نازل می‌شود ولی مداخله مستقیمی از جانب خدا نمی‌بینیم، افرادی هستند که به شکل تخصصی با این رویکرد مواجه می‌شوند ولی من وقتی می‌خواهم به شکل فلسفی درباره فلسطین فکر کنم این طرح بحث را مناسب نمی‌بینم. ما می‌توانیم ماجرای فلسطین و مشخصاً غزه را در فلسطین فکر کنیم این طرح بحث را مناسب نمی‌بینم. ما می‌توانیم یکی از مختصات مهمی که در عصر مدرن داریم، مفهوم دولت ملی و دولت مدرن است که یک بحث ظاهراً سیاسی است. یعنی در مباحث اندیشه سیاسی یا علوم سیاسی مطرح می‌شود ولی بن فلسفی عمیقی دارد که از زمان ارسطو درباره آن صحبت شده است و آن هم این است که آیا انسان اساساً پلئیکال است یا خیر؟ و انسانی «پلئیکال» به چه معناست؟ آن معنای سنتی که منتسب به ساحت الهی بود را ندارد. ولی همچنان کلمه طبیعت به کار برده می‌شود اما به معنای ای درون ماندگارتر و حالا این سؤال پرسیده می‌شود که انسان بالطبع اجتماعی است یا خیر؟ مدرن پاسخی است که به این پرسش داده می‌شود: انسان بالطبع «فرد» است. اینجا فاصله مهمی با رویکرد سنتی ایجاد می‌شود. اما همین‌جا دوباره تأکید می‌شود که ممکن است انسان‌ها برای رفع نیازها کنار هم جمع شوند و اجتماع تشکیل دهند و دولت تأسیس کنند. اینجا نیاز به دولت برای انسانی که فرد است، نیازی قراردادی می‌شود. در حالت سابق نیاز طبیعی بود ولی اینجا قراردادی می‌شود. بنابراین ما با مفهوم دولت قراردادی مواجه می‌شویم. دولت باید شکل بگیرد و این دولت هم مبتنی بر مقوله ملت شکل می‌گیرد. دولت ملی -که مفهوم مدرنی است- هر چند مفهومی قراردادی است ولی قدرت عجیبی پیدا می‌کند، آن قدر که هر کسی که بیرون از این دولت ملی قرار بگیرد، خارج از انسان‌بودگی و تمدن لحاظ می‌شود؛ یعنی اگر کسی در عصر مدرن ذیل یک دولت ملی قرار نداشته باشد، انگار نیست و وجود ندارد. دقیقاً مثل این است که همه آدم‌هایی



حامد قدیری عضو هیأت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب

منظور اسرائیل از هدف گرفتن نهاد مقاومت!

استهداف الكيان للمقاومة



لطیف فتیانی / طراح و کارتون‌نویس

نگاره

فضای مجازی

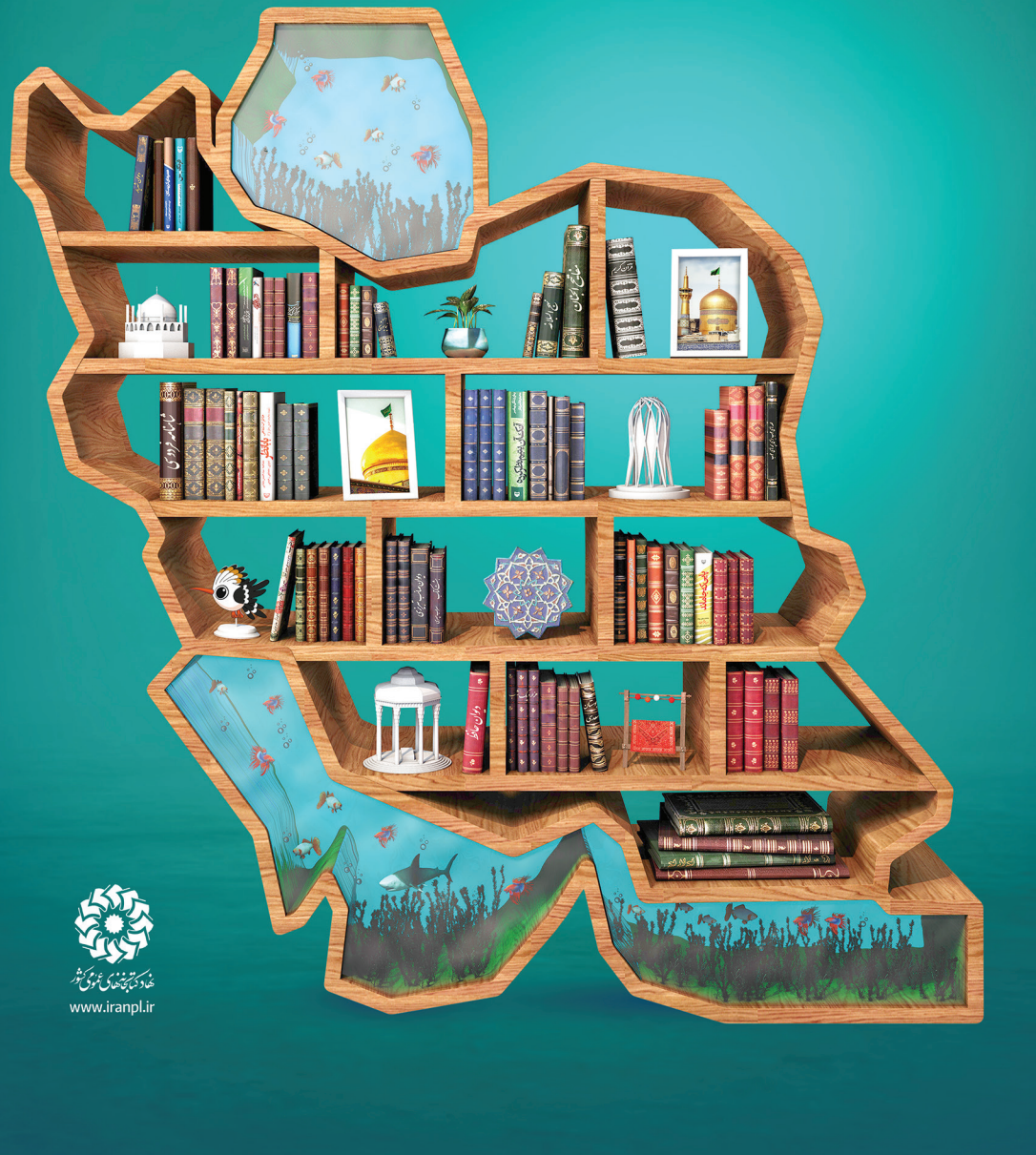
روزی که دیگر دور نیست

سید عطاءالله مهاجرانی، فعال فرهنگی در توئیترش ضمن انتشار ویدیویی از بازی و شادی چند کودک زیر باران در غزه نوشت: «بازی و شادی کودکان غزه زیر باران! این کودکان وقتی به سن جوانی برسند و این ایام را به یاد آورند، فلسطین و اسرائیل سرنوشت دیگری خواهند داشت.»



آینده خواندنی است.

سی و یکمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران
۲۳ تا ۳۰ آبان ماه ۱۴۰۲



عکس نوشت



روستای ماسوله در ۶۲ کیلومتری شهرستان واقع شده است که با ۳۵ خانه تاریخی هوبتی ۸۰ تا یکپه‌زار ساله دارد. این شهر در ۲۵ کیلومتری جنوب غربی شهرستان فومن در کنار رودخانه‌های جاری بر پهنه صخره‌سنگ‌ها، شالی و باغ‌های چای و معماری پلکانی کلبین منحصر به فرد در دل کوهستان همراه با پنجره‌های چوبی و گلدان‌های شمع‌دانی رنگینش، سال ۱۳۵۴ با شماره ۱۹۰ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید و ثبت جهانی آن از سال ۱۳۹۰ در دستورکار قرار گرفت. شهرک تاریخی ماسوله در سال ۲۰۰۷ در میراث تاریخی یونسکو به طور موقت ثبت شد تا مسیر هرگونه تغییر و آسیب به آن بسته شود.

عکس: ایران

یادداشت

یک کتابفروش و خیل خبرنگاران

محمود فنا، اهل فلسطین، در اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی بزرگ شد و در دانشگاه «القدس» در رشته علوم کامپیوتر درس خواند. خانواده او دو کتابفروشی محبوب در بیت‌المقدس دارند. مجله ادبی معروف «گران‌تا» از محمود فنا خواست تا اولین ویژه‌نامه ادبیات عرب این مجله را گردآوری، ویراستاری و دبیری کند. او چهره شناخته‌شده‌ای در بسیاری از برنامه‌ها و اتفاقات فرهنگی سراسر جهان عرب است که در ادامه نوشته‌ای از او را می‌خوانیم.



محمود فنا کتابفروش

داشتم یکسری کتاب را در قفسه‌ها می‌چیدم که یک خبرنگار آمریکایی وارد شد. از هفتم اکتبر، خبرنگاران زیادی به بیت‌المقدس آمده و در هتل‌های نزدیک به کتابفروشی ما در خیابان صلاح‌الدین اقامت کردند. کتاب زندگی‌نامه آوی شلیم به نام «سه جهان: خاطرات یک یهودی عرب» در دستم بود. کتابی که این روزها خوب می‌فروشد. کتاب، زندگی نویسنده از کودکی اش در عراق، تا مهاجرت به کشور تازه تأسیس اسرائیل در اوایل دهه ۱۹۵۰ میلادی، تا کار دانشگاهی اش در بریتانیا، سرزمینی که هنوز ساکن آنجاست را روایت می‌کند.



همه خبرنگاری‌ها و شبکه‌های خبری بزرگ، شمار نیروهایشان در اینجا را دو برابر کرده‌اند. با اینکه بعضی خبرنگاران کارکشته این حوزه برای پوشش اخبار به اینجا برگشتند، اکثر این خبرنگاران جوان، سفیدپوست، تازه‌کارند

با خستگی به او کتاب «هفت رکن حکمت» نوشته تی. ای. لاینس را پیشنهاد دادم. خبرنگار مذکور با جدیت جواب داد که دنبال کتابی درباره وضعیت فعلی است. از واژه «فعلی» شگفت‌زده شدم، هفتاد و پنج سال است ما داریم این وضعیت را زندگی می‌کنیم. به او کتاب «Hamas Contained» به قلم طارق باکونی یا «آزمایشگاه فلسطین» به قلم آنتونی لئونشتاین را پیشنهاد کردم.

برای من و سایر فلسطینی‌ها تا زگی ندارد که بیسیم موجی از روزنامه‌نگاران، وقتی یک بزرگ، دارد اتفاق می‌افتد، به اینجا سرزیر شوند. آنها به کتابفروشی من سری می‌زنند چون امیدوارند با سر زدن به اینجا چیزی از «حال و احوال مردم در خیابان‌های بیت‌المقدس» یا «احوال و نظر فلسطینیان» دستگیرشان شود. پیش از این دیگری گفتند که از وقتی سرویس‌های کرایه حمل‌ونقل در خاورمیانه گسترش پیدا کرد، دیگر برای خبرنگاران خارجی سخت شده که با تکیه بر حرف‌های راننده تاکسی‌های محلی، مطلب منتشر کنند. اگر کتابفروشی ما هم تعطیل بشود، دیگر واقعاً این خبرنگاران گیر افتاده و اوضاعشان خراب می‌شود.

همه خبرنگاری‌ها و شبکه‌های خبری بزرگ، شمار نیروهایشان در اینجا را دو برابر و گاه سه برابر کرده‌اند. با اینکه بعضی خبرنگاران کارکشته این حوزه برای پوشش اخبار به اینجا برگشتند، اکثر این خبرنگاران که می‌بینم جوان، سفیدپوست، مرد و تازه‌کارند. روزنامه‌نگار آمریکایی که آن روز به کتابفروشی آمد، کتابی نخرید. چون قهوه هتلش وحشتناک بود، یک قهوه بیرون بر خرید. سعی کردم راضی اش کنم قهوه عربی را امتحان کند، اما او کاپوچینو خودش را دوست داشت. آن روز بعد از ظهر، یک خبرنگار اروپایی وارد کتابفروشی شد. یکی از دوستانش به او توصیه کرده بود سری به کتابفروشی ما بزنند. او «نظر» من را درباره آنچه در حال رخ دادن بود، پرسید، من هم آن چیزی را که فکر می‌کردم دوست دارد بشنود، گفتم. از او پرسیدم امروز چکار کرده؟ گفت مثل همه همکارانش که در بیت‌المقدس مستقرند، سعی کرده ماجرا را از اتاق هتلش پوشش بدهد.

پی نوشت: این مطلب در «London Review of Books» منتشر شده است.